مشروح سخنان رئیس مجلس در مراسم سالگرد ارتحال امام

مردم به عملکرد ما معترضند اما به کشور و انقلاب علاقه دارند

در سالگرد رحلت امام ، آقای کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن اشاره به برخی حوادث دوران انقلاب و مسائل دهه ۴۰ ، به شرایط فعلی کشور اشاره کرد و از کسانی که بدون توجه به شرایط کشور حیثیت افراد را خدشه‌دار می‌نمایند، انتقاد نمود. وی با اشاره به اینکه همه شعار اشتغال و رفع مشکلات معیشتی را می‌دهند برخی برخوردها با مدیران که باعث از بین رفتن شجاعت مدیران و توقف فعالیت‌های اقتصادی شده است را نکوهش نمود.

متاسفانه در خبر تنظیمی توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران که هفته گذشته مخابره و در روزنامه‌های پنجشنبه هفته گذشته و شنبه هفته جاری به چاپ رسید، مهمترین بخش‌های این سخنرانی حذف شده بود. به همین منظور با دریافت نوار سخنرانی از دفتر ریاست مجلس متن کامل سخنان ایشان را که حاوی نکات مهم تاریخی و نیز هشداری نسبت به برخی اتهامات اخیر است، با هم می خوانیم .

در سالگرد رحلت امام و قیام ۱۵ خرداد قرار داریم که به تعبیر خود ایشان مبدا انقلاب است و لذا من می‌خواهم در رابطه با اندیشه امام و ۱۵ خرداد صحبت کنم .

بعد از این که در مهر ماه ۴۱ مبارزه امام آغاز شد و بحث اصلی هم موضوع مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود ، رژیم به ناچار عقب‌نشینی کرده و این مصوبه را لغو کرد که امام ضمن تشکر از مردم فرمودند که برای قدم‌های بعدی آماده باشید چون رژیم به صورتی قوی‌تر و پیچیده‌تر برمی‌گردد. بعد از آن مساله رفراندوم شاه مطرح شد. امام فرمودند، تا اینجا طرف ما دولت و مجلس بود حالا طرف ما خود شاه است و طبیعی است که مبارزه دشوارتر خواهد شد. با توجه به عزم قوی و راسخ امام ، مبارزه تا خرداد ماه ۴۲ ادامه یافت که در همین مدت چند بار برای سرکوبی نهضت به قم حمله شد اما امام توانست نهضت را حفظ کند. یکی از این حملات قبل از رسیدن رمضان و یک روز قبل از رفراندوم بود که سرکوبی و دستگیری وسیعی صورت گرفت ، حمله دیگری هم بعد از ماه رمضان اتفاق افتاد که این همان ماجرای غم‌انگیز فیضیه است که برای سرکوبی و مرعوب کردن روحانیت انجام شد. یکی از بزرگان بعد از این سرکوب پیامی محرمانه برای امام فرستاده بود با این مضمون که مدرسه فیضیه را در هم کوبیده‌اند و حالا می‌خواهند به خانه ما و شما حمله کنند. مبادا اعلامیه بدهید، اگر اعلامیه بدهید به خانه ما و شما هم حمله می‌شود. امام به کسی که پیام را برای ایشان آورده بود بالبخند فرموده بودند که من اعلامیه را نوشته و به تهران فرستاده‌ام . در این اعلامیه امام مستقیما به شاه و اساس سلطنت حمله کرده بودند. رژیم وقتی دید که از این طریق موفق نشد ، به قم حمله کرد و جمعی از طلاب را دستگیر کرد و برای سربازی برد. البته عده‌ای فرار کردند.

بعد از این که عده‌ای از طلاب را به سربازی بردند امام اعلامیه دادند و گفتند این به نفع ماست چون روحانیون آموزش نظامی می‌بینند و حتی گفته بودند اگر مصطفی (فرزند ایشان) را هم به سربازی ببرند ، ایشان کار خود را انجام خواهند داد.

بعد از این قضیه امام یک نطق تاریخی در ماه محرم داشتند که خود ساواک اعلام کرد دویست هزار نفر برای استماع سخنرانی ایشان آمده بودند.

در گزارش ساواک آمده که ۲۰۰ هزار نفر از شهرهای مختلف آمده‌اند و حتی وقتی برق با دستور ساواک قطع شد، موتور برقی که از قبل آماده کرده بودند روشن و بلندگوها وصل شد که طبق آنچه نقل می‌شد شهید عراقی این تدارکات را انجام داده بود.

در آن سخنرانی امام مستقیما شاه را مورد حمله قرار دادند. امام در آن سخنرانی خطاب به شاه می‌فرمایند:

«کاری‌نکن که مانند وقتی که پدرت از کشور رفت، تو هم بروی مردم خوشحالی کنند» مردم و جوان‌های عزیز ما یادشان هست که وقتی شاه در سال ۵۷ رفت، مردم چگونه شادی‌کردند و مجسمه‌های شا ه را پایین آوردند.

به هر صورت ۱۵ خرداد امام را دستگیر کردند، اما با دستگیری ایشان موضوع ختم نشد، بلکه حرکتی عظیم پدید آمد و جمعی از بهترین فرزندان این آب و خاک را به شهادت رساندند و ملت مستضعف که از ستم‌های شاه به تنگ آمده بودند برای‌حمایت از امام به خیابان‌ها ریختند. دقت کنید در هر جا که مردم قیام کردند، طرفداران ایشان مردم محروم و زحمتکش بودند و همین مردم تا پایان هم همراه امام بودند و امام در حق ایشان فرمود «پابرهنه‌ها ولی‌نعمت ما هستند» در قم مبدا حرکت از پایین شهر بود، در تهران به رغم وعده‌هایی که شاه در قضیه اصلاحات ارضی به کشاورزان داده بود پنج هزار نفر کشاورز کفن‌پوش از روستاهای ورامین به طرف تهران حرکت کردند که در باقر آباد جلوی آنها را گرفتند و آنها را به مسلسل بستند که عده‌ای شهید و عده‌ای هم دستگیر شدند. تهران هم مرکز حرکت مردم ، کسبه جزء و کارگران در جنوب شهر بود.

در کاشان اصل حرکت مربوط به کارگران بود. به عبارت دیگر طرفداران اصلی جنبش و حرکت امام، مستضعفان بودند. به هر حال غوغایی در تهران برقرار شد که پلیس تا ظهر بیشتر نتوانست شهر را کنترل کند و سراسر شهر تظاهرات و آتش‌شده بود و لذا ناچار شدند برای سرکوب مردم نیروهای‌ارتش را با ساز و برگ سنگین واردمیدان کنند که براساس گزارش ساواک، تا سه روز تهران محل برخورد و درگیری بود. به هر حال این قیام عمومی و فشارهای مردم بر علما و متفکران از سراسر جهان باعث شد که توطئه‌ای که برای محاکمه امام داشتند و پاکروان رئیس وقت ساواک هم اعلام کرده بود که جمعی از روحانیون عالیرتبه در دادگاههای نظامی محاکمه می‌شوند، خنثی شد. امام ۱۵ خرداد را مبدا حرکت می‌دانستند و تاکید داشتند که این روز زنده و جاوید بماند و در یکی از اعلامیه‌ها فرمودند که «من ۱۵ خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می‌کنم». این که امام می‌گفتند مبدا حرکت ۱۵ خرداد است، به معنای نفی حرکات گذشته مشروطه ، فتوای میرزای شیرازی، اقدامات سیدجمال‌الدین اسدآبادی و دیگران نیست، بلکه مقصود امام این است که یک حرکت جدیدی شروع شد که مرجعیت و حوزه علمیه پیشاپیش آن بود و شعار آن تشکیل حکومت دینی بود.

اما اساس سخن من اینجاست که رمز پیروزی این انقلاب چه بود؟ سهم اول را مردم داشتند که صادقانه پشت سر امام(ره) ایستادند و لحظه‌ای هم به خود تردید راه ندادند؟ چرا مردمی که از سال ۴۲ در مبارزه خون داده بودند، همچنان نسبت به امام(ره) وفادار ماندند؟ چرا روزی که امام(ره) دستگیر می‌شود، مردم این‌قدر کشته می‌دهند؟ چرا در طول ۱۵ سالی که امام(ره) در تبعید بود و در میان مردم حضور نداشت و یاران و نمایندگانش در زندان بودند، مردم به‌صورت استوار ایستادند و راه امام(ره) را ادامه دادند؟ چرا وقتی امام(ره) به ایران آمد، حدود پنج میلیون نفر از ایشان استقبال کردند و بعد از ۱۰ سال حکومت او، در تشییع جنازه او حدود ۹ میلیون نفر شرکت کردند؟ مگر دوران حکومت امام(ره) مصادف با دوران دفاع مقدس و فشارها و سختی‌ها نبود؟ چرا مردم به رغم همه مشکلات به امام(ره) وفادار ماندند؟ چرا هنوز مرقد امام(ره) زیارتگاه مردم است؟ چرا همه ما هنوز می‌توانیم از اعتبار امام(ره) استفاده کنیم و خرج کنیم؟ اینها همه حقیقت است و باید رمز آن را بدانیم. علت مشخص است. امام(ره) متقی و مخلص بود. با مردم صادق و راستگو بود و حرف دل مردم را می‌زد. با مردم صمیمی بود. امام(ره) در نامه‌ای خصوصی به حاج احمد آقا در مورد مردم می‌نویسد: «ملت شریف ایران که جان من فدای تک‌تک آنها باد» و واقعا امام(ره) به این حرف اعتقاد داشت. من باتوجه به مسوولیت‌های مردمی که داشتم، می‌دیدم که چگونه به ملت عشق می‌ورزد. امام(ره) بصیر و شجاع بود، فقیه، فیلسوف، عارف و سیاستمدار بود، اما مهمتر از همه این بود که برای خدا سخن می‌گفت و سکوتش نیز برای خدا بود. حرف‌های او در دل مردم می‌نشست و در مردم اثر می‌کرد.

الان همه ما از وضع جوانان اظهار نگرانی می‌کنیم و همه سلیقه‌ها و گرایشات نسبت به وضع جوانان نگران هستند. خوب، چطور در زمان امام(ره) جوانان آن‌طور بودند، اصلا چطور امام(ره) توانست جوان‌های زمان شاه را آن‌گونه بسیج کند، به جبهه بفرستد، برای جهاد سازندگی بفرستد و این‌گونه به مردم خدمت کند؟ چون امام(ره) حرف دل آنها را می‌زد و با آنها رفیق و صمیمی بود. من چند جمله از امام(ره) را یادداشت کرده‌ام.

«من خواسته آنها را می‌گویم، من نیاز آنها را می‌گویم، آن فطرت پاکی را که دارند، آن را می‌گویم و لذا آنها به ما علاقه دارند.»

امام(ره) در جای دیگر می‌گوید: «به من نگویید رهبر، بگویید خدمتگزار» باز در جای دیگری امام می‌گویند:

«ملت ایران ادراک کرده که علما، صلاح آنها را می‌خواهند و برای همین قلبشان متوجه روحانیت است و با اشاره به آنها جمعیت انبوه فراهم می‌شود» پس اگر روزی دیدیم جمعیت پشت سر ما نیست و دیدیم مردم به ما اعتراض می‌کنند، بدانیم که عیب و نقص از خودمان است. مردم همان مردم و جوان‌ها هم همانها هستند و جامعه هم همان جامعه . پس ما باید کاستی‌ها، نواقص و تقصیر و قصورها را در خودمان جست وجو کنیم . مردم به اسلام ، امام و وطنشان علاقه‌مندند. مردم به عزت، هویت، فرهنگ و مکتبشان علاقه دارند. به جمهوری اسلامی که بیش از ۲۲۰ هزار جوان خود را برای آن داده‌اند، علاقه‌مند هستند و اگر اعتراض دارند بدانیم اعتراض آنها به ماست. مردم اگر اصلاحات، مشارکت و رقابت سیاسی یا هر چیز دیگر می‌خواهند در چارچوب قانون اساسی آن را تعقیب می‌کنند و در چارچوب اهداف و آرمان‌های امام. همه اینها در قانون اساسی گنجانده شده است . قانون اساسی مردم سالاری و حاکمیت را به مردم داده است .امام به آنها گفت که «شما ولی‌نعمت ما هستید» «میزان رای و خواست‌های مشروع شماست » طبیعی است که اصولا مردم خواستهای غیر مشروع از حکومت ندارند. اگر همه ما واقعا می‌خواهیم به مردم خدمت کنیم و اگر دلمان برای کشور می‌تپد و عظمت و عزت ملت را می‌خواهیم باید بدانیم اگر در چارچوب‌های امام حرکت کنیم همه آن چیزها در این چارچوب‌ها وجود دارد.

همین رئیس جمهور محترم که رئیس ما هم هست و برای ما عزیز است ، مگر غیر از این است که یک روحانی است؟ پنج سال پیش که ما رقابت داشتیم ، رقابت نابرابری هم داشتیم ، افتخار ما این بود که امام او را «فرزند فاضل » خود خطاب کرده بودند و این بزرگترین دستمایه‌ای بود که ما در اختیار داشتیم . در آن زمان جمعی از علما و بزرگان صاحب یک گرایش، از برادر دیگری حمایت می‌کردند که حق آنها بود. امام هم رقابت را توصیه می‌کردند. عده‌ای هم یک روحانی دیگر را تایید می‌کردند. ما هم (مجمع روحانیون مبارز) که از آقای خاتمی حمایت می‌کردیم . جامعه روحانیت و مدرسین حوزه علمیه قم یکی از کاندیداها را حمایت می‌کردند،

ما هم در مقابل ضمن آنکه خودمان از آقای خاتمی حمایت می‌کردیم، از برخی بزرگان و مراجع مانند مرحوم آیت‌الله العظمی سلطانی طباطبایی - که استاد همه ما و پدر همسر حاج احمدآقا خمینی بودند - تایید مفصلی راجع به آقای خاتمی گرفتیم. مرحوم آیت‌الله سیدعباس خاتم که از شاگردان ارزنده امام(ره) بود، تایید به رای آقای خاتمی دادند. خود بنده برای آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی که سال‌ها عضو شورای‌عالی قضایی و ۱۴ سال در درس امام(ره) در نجف حضور داشت، نامه‌ای نوشتم و ایشان هم برای آقای خاتمی تاییدیه دادند. این‌ها واقعیت‌هایی است که همه باید بدانند. خود آقای خاتمی وقتی در مقام ریاست جمهوری به نیویورک می‌رود، می‌گوید حرکت من در چارچوب قانون اساسی و آرمان‌های امام(ره) و انقلاب اسلامی است. واقعا منش و شیوه ایشان هم همین است. طرفداران ایشان هم همین‌طور هستند. حالا این دیگر نامردی است که یک کسی بیاید و بگوید خرداد ۷۶ اصلا هیچ ربطی به خرداد ۴۲ ندارد. پس ۲۰ میلیون رای برای چیست؟ چرا هر پنج نفرمان که در یک جا جمع می‌شویم، می‌خواهیم سلیقه خودمان را به مردم تحمیل کنیم؟ به عنوان رئیس مجلس با صراحت عرض می‌کنم همه روحانیون ما هرچه دارند و هویتشان از امام(ره) است. این یک واقعیت است و حق‌شناسی هم این است که این موضوع را بگوییم. بله! یک مشکلی هست و آن دو برداشتی است که از جمهوری اسلامی وجود دارد، یک برداشت بر مبنای آرای مردم و ارزش‌هایی که مردم می‌خواهند، بر مبنای هرچه مردم می‌خواهند و با دیدگاه خدمتگزار و کوچک بودن در برابر مردم و یک برداشت خاص دیگر هم وجود دارد که الان بنا ندارم بحث‌های اختلاف‌انگیز را مطرح کنم. ما اگر می‌خواهیم انقلاب و نظام محفوظ بماند، اگر می‌خواهیم بر دشمن فائق شویم و دشمن در ما نفوذ نکند و وفاق داشته باشیم، تنها راه برای ما آرمان‌های امام(ره) است و میثاق همگانی یعنی قانون اساسی.

اگر یکسری کارهای خودسرانه انجام شده، چرا به پای جمهوری اسلامی می‌نویسید؟ وقتی کوچکترین حرکت خلافی انجام می‌شد و مثلا چهار نفر را در خیابان کتک می‌زدند، امام(ره) فورا دستور می‌داد که این افراد باید دستگیر و محاکمه شوند.

مثلا یقه افراد را می‌گرفتند که چرا لباس آستین کوتاه پوشیده‌اید؟ خوب این حرکت‌ها چه ارتباطی به امام(ره) دارد؟

من این که بعضی‌ادارات افراد را با لباس آستین کوتاه راه نمی‌دادند، یک حقه‌بازی می‌دانم . چون بعید است برخی افراد این قدر متعصب و دین‌دار شده باشند! مرحوم شهید عراقی که امام بسیار به او علاقه‌مند بود و می‌فرمود او را به اندازه مصطفی دوست دارم، عکسی در حال صحبت خصوصی با امام دارد که در آن عکس لباس شهید عراقی آستین کوتاه است . آقایان رفتند برای‌عکس شهید عراقی آستین قلابی‌درست کردند! خوب مردم از این مسائل خشمگین شدند، برخی حرکتهایی‌که در دانشگاهها شد، اگر کسی می‌رفت سخنرانی کند یقه‌اش را می‌گرفتند و پاره می‌کردند، این کارها مردم را عصبانی کرد. اما مردم اصلا از امام و انقلاب عصبانی نیستند. مردم نظام و رهبری را می‌خواهند. با صراحت بگویم ، مردم برای انقلاب رنجهای زیادی کشیده‌اند، و آن را می‌خواهند.

مگر نمی‌دانیم چه انقلاب بزرگی نصیبمان شد، پس چرا داریم این کارها را می‌کنیم . امام آن قدر نسبت به آبرو و حیثیت افراد مقید بود، حالا ببینید ما داریم چه کار می‌کنیم؟ چگونه به جان هم افتاده‌ایم و خودزنی می‌کنیم، چرا ناسپاسی‌و ناشکری‌می‌کنیم ؟

ببینید اوضاع ما چگونه بوده است . عقاید و تفکرات مختلف می‌تواند در یک کشور باشد و همه می‌توانند براساس قانون در کنار یکدیگر زندگی‌کنند. اما ببینید در کشور ما چه می‌گذشته است ؟ این نامه را که می‌خوانم مربوط به ساواک است :

«ساعت ۶ بعدازظهر روز هفتم ماه دوم یا سوم سال ۴۷ کمیسیون نشر نفحات الله در محفل شماره ۴ واقع در تکیه نواب منزل اسدالله قدسیان‌زاده تشکیل گردید. عباس اقدسی‌که سخنران کمیسیون بود اظهار داشت : جناب آقای اسدالله اعلم وزیر دربار سلطنتی به ما لطف زیادی نموده‌اند. مخصوصا جناب‌آقای‌امیر عباس هویدا (بهایی‌و بهایی‌زاده) انشاءالله که هر دو نفر کدخدای کوچک بهائیان می‌باشند، گزارشاتی از فعالیتهای‌خود به بیت‌العدل اعظم مرجع بهائیان می‌دهند. حضرت بهاءالله می‌فرماید [یک عبارتی‌از او نقل می‌کند و بعد می‌گوید] دولت اسرائیل در جنگ سال ۴۶ و ۴۷ قهرمان جهان شناخته شد و ما جامعه بهائیت، فعالیت این قوم عزیز را ستایش می‌کنیم . ما خیلی‌خوشحالیم که قانونی برای احیای ایران [همان هیاتهایی‌که رفت و آمد می‌کردند همان موشه‌دایان که به اینجا می‌آمد، همان گروههای کشاورزی، علمی‌و دانشگاهی که می‌فرستادند، اصلاحات کشاورزی را بخوانید، در آنجا مشخص است که می‌رفتند و دوره می‌دیدند و می‌آمدند] طرح می‌نمایند.

پیشرفت و ترقی‌ما بهائیان ، این است که در هر اداره ایران و تمام وزارتخانه ها یک نیرویی داشته باشیم و هفته‌ای یک بار که طرح ها تهیه شده به وسیله دولت به عرض شاهنشاه آریا مهر می‌رسد، گزارشاتی در زمینه طرح به محفل‌های روحانی‌بهایی‌برسد. مثلا در لژنه پیمانکار کادر بهائیان ایران هر روز گزارش خود را در زمینه ارتش ایران در این که چگونه اسلحه به ایران وارد می‌شود، چگونه چتربازان را آموزش می‌دهند به محفل روحانی‌بهائیان تسلیم می‌شود.»

این نفوذ بیگانه در تشکیلات ما بوده است . آن هم یک فرقه این چنینی‌و هماهنگ با آنجا که دیگر حالا نمی‌خواهم بحث طولانی‌اش را بکنیم .

در این شرایط انقلاب با این عظمت به رهبری‌امام و به همت مردم به دست آمده و همه ما از چپ ، راست ، اصلاح‌طلب، محافظه‌کار و ملی‌گرا باید برای‌حفظ این نظام بکوشیم .

اگر کاستی‌و نقصی از نظر اقتصادی و معیشتی و قانونی، وجود دارد و اگر افراط و تفریط و پرخاش و تندی‌هست به جای‌خود، که هیچکس هم منکر وجود آنها نیست اما باید بدانیم که تمام حرکتمان باید در چارچوب باشد بکوشیم چارچوب‌ها را حفظ کنیم .

اما متاسفانه همه شمشیر کشیده‌ایم که آبروی یکدیگر را ببریم . همه بنا داریم که همدیگر را نابود کنیم . من نمی‌دانم چرا این کارها انجام می‌شود؟ من می‌دانم که از نظر سیاسی وارد شدن به این قضایا برای‌من ضرر دارد. اما خدا شاهد است که احساس مسوولیت می‌کنم . فکر می‌کنم باید آبرویم را در راه چیزهایی که برای جامعه و مردم مفید و لازم است بگذارم .

در اینجا می‌خواهم به دو موضوع اشاره کنم . یکی‌مربوط به بانکها که اساس اقتصاد کشور هستند و دیگری مربوط به شهردار تهران .

یک نماینده محترم مجلس مصاحبه می‌کند و می‌گوید که شهردار تهران صورت اموال ۱۷ میلیارد تومانی خود را به قوه قضائیه داده است . در شهری که مردمش برای دویست هزار تومان معطلند و نمی‌توانند دختر خود را به خانه بخت بفرستند، دیگر این شهردار می‌تواند کار کند؟ بعضی روزنامه‌ها هم به این موضوع دامن زدند. شهردار شبانه به من تلفن زد و آشفته بود. می‌گفت هنوز هیچی نشده این مسوولیت دارد آبروی ما را می‌برد، می‌گوید اصلا نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه ننوشته‌ام . از رئیس محترم قوه قضائیه هم سوال کردم ایشان هم دریافت نامه را تکذیب کرد و گفت اصلا شهردار لزومی ندارد صورت اموال خود را برای قوه قضائیه بنویسد. نماینده‌ای هم که از قول او این خبر را نوشته اند، می‌گوید من رقم ۱۷ میلیارد را نگفتم . خوب آیا به همین راحتی می‌توانیم برای مردم ذهنیت درست کنیم ؟ شنیدم دیشب برخی تلویزیون‌های خارجی تومان را به دلار تبدیل کرده‌اند و گفته‌اند کار جمهوری اسلامی به جایی رسیده که شهردارش ۱۷ میلیارد دلار! ثروت دارد. ببینید داریم با یکدیگر چکار می‌کنیم . نکته دیگر در مورد بانکهاست . من نه می‌خواهم در کار قضا دخالت کنم و نه می‌خواهم در مورد حکم قاضی چیزی بگویم . والله برخی از این افراد را هم نمی‌شناسم . اما وقتی می‌بینم مدیران اکثر بانک‌ها با من تماس می‌گیرند و می‌گویند که آقای توحیدی ۴۴ سال سابقه کار دارد و از صادق‌ترین افراد است ، امیر اصلانی این طور است، من ناچارم موضوع را بگویم و منعکس کنم . این آقایان می‌گویندما مصوبه شورا را انجام داده‌ایم . یک نفری به بانک بدهکار بوده و اموالش هم در دبی بود و نمی‌توانسته‌اند اموالش را مصادره کنند. چاره‌ای نداشتیم جز اینکه بخشی از جریمه را تخفیف بدهیم و پول های بانک را بگیریم . این مسائل را اگر از مدیر عامل فعلی بانک جویا نشده بودم ، حق داشتید بگویید شایعه است . در یک مورد دیگر یک نفر ضامن یک آقایی می‌شود. ضامن به خارج می‌رود و می‌میرد . بدهکار اصلی هم سرطان می‌گیرد و به خارج از کشور می‌رود در آنجا فوت می‌کند. اما فرد بدهکار، فرد متدینی بوده و در وصیت‌نامه خودش می‌نویسد که من به بانک بدهکار هستم . وارث او هم انسان صالح و خوبی بود، پول را می‌برد به بانک بدهد.

هیچ کس جرات نمی‌کند پول را بگیرد و می‌گویند ما نمی‌گیریم ، اگر گرفتیم فردا می‌گویند چرا جریمه را نگرفته‌اید؟

بفرما برو زندان !فرزند می‌گوید پدر من خدا رحمتش کند وصیت کرده که این مقدار بدهکار است و ما هم می‌خواهیم به وصیت او عمل کنیم ، اگر ما هم نمی‌آمدیم که بدهی را بپردازیم هیچ اشکالی پیش نمی‌آمد...

خوب فکر می‌کنید، با این وضعیت بر سر مدیریت‌های کشور چه می‌آوریم؟ من تاکید می‌کنم نمی‌خواهم در حکم قضایی دخالت کنم . اما ببینید نتیجه بعضی کارها این شده که مدیران بانک‌ها پیش من آمده‌اند و می‌گویند سالهای قبل ما پول نداشتیم که وام بدهیم اما حالا رقم های کلان پول داریم ولی جرات نداریم که وام بدهیم !همه دستشان می‌لرزد که وام بدهند. از یک طرف می‌گوییم اشتغال می‌خواهیم و جوانان بیکار هستند و از طرف دیگر بانک ملی و بانک صادرات و بقیه بانک‌ها رقم‌های کلان را خوابانده‌اند و جرات وام دادن ندارند و می‌ترسند که فردا مشکلی برایشان پیش بیاید.

ما همین‌طور می‌گوییم و می‌نویسیم و هیچ فکر نمی‌کنیم بر سر افراد و آبروی آنها چه می‌آید؟ رادیو می‌گوید ، روزنامه می‌نویسد و همه هم همین طور می‌گوییم و حیثیت و آبروی افراد که از کعبه عظیم تر است به همین راحتی‌از بین می‌بریم در حالی که همه اینها حساب دارد.

امیدواریم این کارها به روال صحیح بیفتد. ما پیرو امامی هستیم که بسیار مقید به آبرو و حیثیت افراد بود . نمی‌دانم چه کسانی این فرهنگ را رایج کردند که حیثیت مردم درجامعه هیچ ارزشی ندارد؟! یکی از شاگردان امام که در دبیرخانه ائمه جمعه بود نقل می‌کردکه در اوایل انقلاب یکی از ائمه جمعه در یکی از شهرستان‌ها شلوغ کاری‌ها و تخلفاتی داشت چند بار به امام گفتیم که او را برداریم . امام فرمودند این فرد یک آبرویی از خودش داشته و یک آبرو هم از ناحیه حکم و نامه من پیدا کرده اگر من او را این طور بردارم هم آبرویی که من به او داده‌ام از بین می‌رود و هم آبرویی که خودش داشته و من این ظلم را نمی‌کنم .

به هر حال امیدوارم موانع روز به روز کمتر شود و بتوانیم به نتیجه مطلوب برسانیم . از هیچ تهدیدی هم بیم و هراس نداریم و البته از هیچ تنشی و تشنجی هم استقبال نمی‌کنیم و دعوا با هیچ جایی نداریم ، ولی از عزت ، عظمت و هویت خودمان دفاع می‌کنیم . سیاستمان سیاست تشنج‌زدایی است . همان‌طور که بارها مقام معظم رهبری فرموده‌اند، رئیس جمهور و مجلسیان هم تاکید کرده‌اند.

اینکه امام توانست جوانهای زمان شاه را آنگونه بسیج کند ، به جبهه اعزام کند به جهادسازندگی‌برای‌خدمت به مردم بفرستد به خاطر آن بود که حرف دل آنها را می‌زد و با آنها صمیمی‌بود

اگر روزی دیدیم جمعیت پشت سر ما نیست و دیدیم مردم به ما اعتراض می‌کنند، بدانیم که عیب و نقص از خودمان است. مردم همان مردم و جوان‌ها هم همانها هستند و جامعه هم همان جامعه . پس ما باید کاستی‌ها، نواقص و تقصیر و قصورها را در خودمان جست وجو کنیم .

اینکه امام توانست جوانهای زمان شاه را آنگونه بسیج کند ، به جبهه اعزام کنند ، به جهادسازندگی‌برای‌خدمت به مردم بفرستد به خاطر آن بود که حرف دل آنها را می‌زد و با آنها صمیمی‌بود

اگر روزی دیدیم جمعیت پشت سر ما نیست و دیدیم مردم به ما اعتراض می‌کنند، بدانیم که عیب و نقص از خودمان است. مردم همان مردم و جوان‌ها هم همانها هستند و جامعه هم همان جامعه . پس ما باید کاستی‌ها، نواقص و تقصیر و قصورها را در خودمان جست وجو کنیم .

از هیچ تهدیدی بیم و هراس نداریم از عزت ، عظمت و هویت خودمان دفاع می‌کنیم . و البته از هیچ تنشی و تشنجی هم استقبال نمی‌کنیم و دعوا با هیچ جایی نداریم ، سیاستمان سیاست تشنج‌زدایی است

اگر یکسری کارهای خودسرانه انجام شده، چرا به پای جمهوری اسلامی می‌نویسید؟ وقتی کوچکترین حرکت خلافی انجام می‌شد و افراد را در خیابان کتک می‌زدند،مثلا یقه افراد را می‌گرفتند که چرا لباس آستین کوتاه پوشیده‌اید، امام(ره) فورا دستور می‌داد که این افراد باید دستگیر و محاکمه شوند

از یک طرف می‌گوییم اشتغال می‌خواهیم و جوانان بیکار هستند و از طرف دیگر بانک ملی و بانک صادرات و بقیه بانک‌ها رقم‌های کلان را خوابانده‌اند و جرات وام دادن ندارند و می‌ترسند که فردا مشکلی برایشان پیش بیاید

اگر کاستی‌و نقصی از نظر اقتصادی و معیشتی و قانونی، وجود دارد و اگر افراط و تفریط و پرخاش و تندی‌هست که هیچکس هم منکر وجود آنها نیست اما باید بدانیم که تمام حرکتمان باید در چارچوب باشد